ای فرع رفيع سدره مبارکه … از غفلت و استکبار اشرار و…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ١٩٥

ای فرع رفيع سدره مبارکه … از غفلت و استکبار اشرار و عظمت و تعنّت فجّار مغموم و محزون مشويد و دلگير و دلخون نگرديد چه که اين دأب ديرين و آداب قديم غافلين است يا حسرة علی العباد ما يأتيهم من رسول الّا کانوا به يستهزؤن.

بلکه معارضه و مقاومت جاهلان سبب اعلاء کلمة اللّه و نشر آثار اللّه است اگر تعرّض مستکبرين و تهتّک مُرجفين نبود و فرياد برمنابر و بيداد اکابر و اصاغر و تکفير جهلآء و عربده بلها نبود کی صيت ظهور نقطه اولی روحی له الفدآء و آوازه سطوع شمس بهآء روحی له الفدآء بشرق و غرب ميرسد و جهانرا از کران تا بکران بجنبش و حرکت می‌آورد و کی خطّه ايران را مرکز نور تابان ميفرمود و اقليم روم مرکز جمال قيّوم ميگشت چگونه آوازه ظهور بجنوب منتشر ميشد و بچه وسيله ندای حقّ باقصی بلاد شمال ميرسيد کشور امريک و افريک تاريک چگونه ندای الهی می‌شنيد وصياح ديک عرشی استماع مينمود طوطيان هند چگونه شکّر خا می‌شدند و نغمات بلبلان عراق کجا بآفاق ميرسيد شرق و غرب چگونه مهتزّ ميشد بقعه مبارکه چگونه اريکه جمال محمود ميشد طور سينآء چگونه لمعه نورآء ميديد شعله ظهور چگونه زينت طور ميگشت ارض مقدّس چگونه موطن جمال منزّه ميشد وادی طوی چگونه بقعه بهرآء ميگشت و محلّ خلع نعلين موسی ميشد نفحات قدس چگونه در وادی مقدّس منتشر ميشد شميم نسيم حدائق ابهی مشام اهل جزيره خضرا را چگونه معطّر می‌نمود وعده‌های انبيا و بشارات اصفيا و نويدهای مظاهر احديّه باين بقعه مبارکه چگونه تحقّق مينمود.

شجره انيسا چگونه غرس ميشد و علم ميثاق چگونه بلند ميگشت و جام عهد الست چگونه سرمست می‌نمود اين فيوضات و برکات اسباب ظهور و بروزش بحسب ظاهر استکبار جهلآء و تعرّض بلهآء و تعنّت ثقلآء وتشدّد ظلمآء بود والّا صيت ظهور حضرت اعلی هنوز باقرب بقاع نرسيده بود پس نبايد از جهل جهلآء و تعدّی زنمآء و غفلت فقها و تکفير بلها محزون شد ذلک دأبهم فی القرون الأولی اگر ميدانستند نمی‌نمودند ولی نادانند فما لهؤ لآء لا يکادون يفقهون حديثا.

پس شما که فرع سدره مقدّسهء الهيّه هستيد و افنان دوحه رحمانيّه بايد بعون و عنايت جمال قدم روحی لمرقده المقدّسة فداء چنان بنار موقده ربّانيّه بر افروزيد و برافروزيم که نار محبّت اللّه در قطب آفاق روشن کنيم و تأسّی بدوحه مقدّسه حضرت اعلی روحی له الفدآء بنمائيم سينه را هدف تير بلا کنيم و دل را آماج سهم قضا چون شمع بر افروزيم و چون پروانه بال و پر بسوزيم چون مرغ چمن بناليم و چون عندليب زار بزاريم.

چون ابر بگرئيم و چون برق از آوارگی در غرب و شرق بخنديم و شب و روز در فکر نشر نفحات اللّه باشيم نه تتبّع در شبهات و ترويج و تأويل و تشريح متشابهات فکر خويشرا بکنار بگذاريم و از کم و بيش چشم پوشيم نه اظهار تألّم نمائيم نه بهتان تظلّم بکلّی خود را فراموش نمائيم و از خمر عنايت و فنآء در جمال ابهی پرجوش و خروش شويم.

ای افنان سدره مبارکه بايد کلّ بکوشيم تا شاخ بارور گرديم و ميوه خوشگوارتر ببار آوريم تا فرع تابع اصل گردد و جزء تأسّی بکلّ نمايد از فضل اسم اعظم و عنايت نقطه اولی روحی لهما الفدآء اميدوارم که سبب اعلآء کلمة اللّه در جميع آفاق گرديم و خدمت باصل امر نمائيم و شراع غيرت حقيقی الهی را منتشر کنيم و نسيم چمن عنايت را بوزيدن آريم و شميم حديقه رحمانيّت را بمشامها رسانيم و آفاقرا جنّت ابهی کنيم و کيهان را فردوس اعلی.

هر چند کلّ عباد و علی الخصوص مشتعلان بنار رشاد مکلّف باين عبوديّت ربّ عباد هستند ولی تکليف ما اعظم از ديگران است از او توفيق ميطلبيم و تأييد ميجوئيم.

صد هزار شکر جمال مبارک را که جنود ملکوت ابهايش در هجوم است و عون و صونش متتابع چون طلوع نجوم در جميع نقاط ارض اين عبد فريد وحيد را نصرت فرمود و در جميع اوقات آثار عنايت ظاهر فرمود اهل شبهاترا در اشدّ اغما افکند و متمسّکين بمتشابهات را رسوای خاص و عام فرمود نوهوسانرا محلّ ملام انام فرمود و خود پرستانرا شهره آفاق کرد احبّای متزلزلين را عبرة للنّاظرين فرمود و ارکان مذبذبين را خود پرست و خود بين فرمود و اين مرغ بال و پر شکسته را بمقابل جميع من علی الأرض بقدرت تأييدش قائم فرمود صفوف عناد را شکست داد و لشکر نجات را نصرت بخشيد و روح حيات در قلوب ثابتين بر عهد و ميثاق دميد.

حضرات افنان سدره مقدّسه مبارکه را يک يک تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و البهآء عليک و علی کلّ افنان يثبت علی الميثاق \*